واکاوی کیفی تجربهٔ کودک‌همسری در بین زنان جداشده از همسر شهر کرمان

فخرالسادات هاشمی‌نسب،[1] سوده مقصودی،[2] مهدی قنادزاده[3]

شناسهٔ پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۸۶۲-۰۰۲۰
شناسهٔ پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۴۷۰۵-۹۳۱x
شناسهٔ پژوهشگر (ارکید): ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۴۷۳۴-۵۶۱۵

چکیده

پژوهش حاضر، به دنبال واکاوی کیفی تجربهٔ کودک‌همسری[4] در بین زنان جداشده از همسر در شهر کرمان است. هدف پژوهش، رسیدن به مدل پارادایمی بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر کنشگران از پدیدهٔ کودک‌همسری در بین زنانی است که از همسر خود جداشده‌اند. این پژوهش با روش نظریهٔ زمینه‌ای۵ انجام شده است. مشارکت‌کنندگان با استفاده از شیوهٔ نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. بر مبنای اصل اشباع نظری، با ۱۴ نفر از زنان مطلقهٔ شهر کرمان که در سن کمتر از هجده‌سالگی ازدواج کرده بودند مصاحبه شد.

مقوله‌های به‌دست‌آمده عبارت‌اند از نبود خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن، ضعف قوانین در ازدواج، فقر و تنگدستی، پدرسالاری و استیلای قدرت پدر، سنت‌ها و باروهای مذهبی و فرهنگی، نداشتن درک روشن از هویت خود، دردمندی روحی و جسمی، تجربهٔ خشونت، ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی، بی‌قدرتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری، بی‌علاقگی به زندگی مشترک، ترک و طلاق. مقولهٔ هسته بازاندیشی «خود» در جداشدن از زندگی زودهنگام کودکانه است.

واژه‌های کلیدی: کودک‌همسری، زنان جداشده از همسر، هویت، نظریهٔ زمینه‌ای، شهر کرمان

۱. دانشجوی دکترای مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)/ fakhrossadat@ens.uk.ac.ir
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران/ smaghsoodi@uk.ac.ir
۳. دانشجوی دکترای مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران/ m_ ghannad@ens.uk.ac.ir

4. Child Marriage
5. Grounded Theory

مقالهٔ علمی پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶
دوفصلنامهٔ مسائل اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۹۱-۲۷۱

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

۱. مقدمه و بیان مسئله

تولد، ازدواج و مرگ، سه واقعهٔ مهم زندگی انسان‌هاست. در بین وقایع یادشده، ازدواج تنها مقولهٔ انتخابی است. ازدواج در تمام طول تاریخ جزو حقوق قانونی افراد بودهاست، درحالی‌که بسیاری از دختران و پسران از حق انتخاب درزمینهٔ ازدواج برخوردار نیستند و مجبور می‌شوند در سنین پایین ازدواج کنند (کردزنگنه، ۱۳۹۰). کنوانسیون مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک، ازدواج افراد زیر ۱۸ سال را به‌عنوان کودک‌همسری تعریف کرده[1] است (ویبو[2] و همکاران، ۲۰۲۱).

ازدواج کودکان یک مسئله پیچیده و اغلب یک عمل مضر است (الاسلام و همکاران[3] ۲۰۲۱). از دیدگاه جامعه‌شناختی، آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجهٔ ازدواج سالم و بهنگام و محیط آرامش‌بخش خانواده است؛ ولی ازدواج زودهنگام کودکان یا کودک‌همسری می‌تواند منجر به بروز اختلالاتی در پیدایش و شکل‌گیری خانواده‌های جدید و همچنین خود شخص گردد (بهنام و راسخ، ۱۳۸۳). ازدواج زودهنگام چالش‌های قابل‌توجهی برای سلامتی، عزت و استقلال افراد دارد. اگرچه دختران و پسران هر دو تحت تأثیر کودک‌همسری قرار دارند، اما شیوع آن در دختران به‌طور نامتناسبی بیشتر است. برای مثال، به گزارش یونیسف (۲۰۲۱) حدود ۲۱ درصد دختران در سراسر جهان قبل از هجدهمین سالگرد تولدشان ازدواج کرده‌اند، درحالیکه این نسبت در بین پسران ۴/۵ درصد بوده است.

از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر این پدیده، می‌توان به فقر، کمبود آموزش، هنجارهای اجتماعی و ناامنی فزاینده‌ای که دختران جوان مجرد با آن روبرو هستند اشاره کرد (ستارک[4] و همکاران ۲۰۲۰، کوهنو[5] و همکاران ۲۰۲۰). همچنین بحران‌های پناهندگی، ازدست‌دادن معیشت، کاهش فرصت‌های اقتصادی و عدم اطمینان می‌تواند به شیوع ازدواج کودکان کمک کند (مورتادا[6] و همکاران ۲۰۱۷). از آثار ازدواج زودهنگام می‌توان به افزایش طلاق، کودک‌بیوگی، رشد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سوءاستفاده جنسی از دختران، تداوم چرخه فقر و فحشا، افزایش بیماری‌های جسمی و جنسی و روحی برای دختران اشاره کرد (احمدی، ۱۳۹۶). همچنین ازدواج زودهنگام بر رشد و سلامت فرزند متولدشده از زنی که قبل از ۱۸ سال ازدواج کرده است، تأثیر می‌گذارد (افوبرا و همکاران،[7] ۲۰۱۷) و به‌طور اساسی با تولدهای ناخواسته بی‌شمار، خاتمه بارداری و عقیم‌سازی زنان همراه است (راج[8] و همکاران، ۲۰۰۹).

1. UN General Assembly Convention on the rights of the child
2. wibowo
3. Mofizul Islam and Nuruzzaman Khan
4. Stark
5. Kohno
6. Mourtada
7. Efevbera
8. Raj

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

از سوی دیگر، این‌گونه ازدواج‌ها اغلب به جدایی از خانواده و شبکه‌های اجتماعی می‌انجامد و باعث می‌شود دختران امکان به دست آوردن حمایت عملی و عاطفی را از دست بدهند و از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بااهمیت محروم شوند. به گزارش سازمان بهداشت جهانی[1] (۲۰۰۶)، زنانی که در دوران کودکی ازدواج کرده‌اند سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، بیشتر پذیرای نقش‌های جنسیتی مردسالار هستند و از سطح نازل‌تری از خودمختاری خانوار برخوردار هستند (تنکورنگ، ۲۰۱۹).

درنهایت این دختران با خطر ترک تحصیل، خشونت مبتنی بر جنسیت، انزوای اجتماعی، فقر، عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، باروری زیاد، فواصل کوتاه زایمان، بارداری ناخواسته، بیماری‌های زایشی، مرگ‌ومیر مادران، بهداشت روانی ضعیف، عفونت‌های منتقله از راه مقاربتی و ایدز مواجه می‌شوند (گیج،[2] ۲۰۱۳).

بر اساس گزارش دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۹۷)، سهم ازدواج‌های زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۶ برابر با ۰/۰۴، ازدواج‌های بین ۱۰-۱۴ سال ۵/۸۰ و ازدواج‌های بین ۱۵-۱۹ سال ۲۸/۰۷ درصد بوده است و از این میان سهم استان کرمان در همین سال در ازدواج‌های زیر ۱۰ سال برابر با ۰/۰۳، ازدواج‌های بین ۱۰-۱۴ سال ۴/۸۹ و ازدواج‌های بین ۱۵-۱۹ سال ۳۲/۱۱ بوده است.[3]

نکته قابل‌توجه هنگامی است که سهم طلاق برای همان گروه‌های سنی مدنظر قرار گیرد. هرچند طلاق‌های رخ‌داده مربوط به همان ازدواج‌ها نیست، اما ازجمله طلاق‌هایی است که در سنین متناظر رخ‌داده است. این سهم برای سنین زیر ۱۹ سال از ۹/۹۳ درصد در سال ۱۳۹۶ تا ۱۴/۲۹ درصد در سال ۱۳۸۷ در نوسان بوده است. ارقام مربوط به استان کرمان از ۹/۴۹ درصد در سال ۱۳۹۶ تا ۱۴/۳۹ درصد در سال ۱۳۸۷ متغیر بوده است.

با وجود آمار قابل‌توجه ازدواج زودهنگام و تحقیقات اندک در این حوزه، اغلب پژوهش‌های انجامشده نیز موضوع را از دیدگاه افرادی ردیابی نموده‌اند که هنوز طلاق را تجربه نکرده‌اند. هرچند که نوع زندگی این افراد چیزی از طلاق کمتر ندارد، اما نگاه ایشان پختگی نگاه کودکان و زنان مطلقه را نخواهد داشت. ازاین‌رو بررسی ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی ازدواج زودهنگام به‌ویژه بررسی دلایل طلاق مرتبط با این نوع ازدواج، ضروری به نظر می رسد.

ازاین‌رو نوشتار حاضر در نظر دارد با رویکردی کیفی ضمن بررسی تجربه زیستهٔ زنانی که ازدواجشان پس از کودک‌همسری منجر به طلاق شده است، تحلیل موشکافانه‌تری به دست دهد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش، کشف تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه‌ای است که در کودکی ازدواج کرده‌اند.

1. World Health Organisation

2. Gage

۳. آمارهای پیش‌گفته که برگرفته از سالنامه آمارهای جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور است، درصد ازدواج‌ها را بر اساس رده‌های سنی مرسوم ۵ ساله ۱۵ تا ۱۹ در نظر گرفته است که بنا بر تعریف ما در تحقیق حاضر از ازدواج کودکان ناظر بر سنین زیر ۱۸ سال اندکی مغایرت دارد، اما با کمی اغماض می‌توان گفت که درصد قابل‌توجهی از ازدواج‌ها (هم در کشور و هم در استان کرمان) در سنین کودکی انجام می‌پذیرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

۲. مبانی نظری

برخی از دیدگاه‌های نظری در مسئلهٔ کودک‌همسری، به هنجارهای اجتماعی پیرامون ارزش خانواده و نقش زن در خانواده و جوامع مرتبط‌اند. به‌عنوان‌مثال، بر مبنای نظریه تغییر خانواده کاگیت چیباسی[1] بین عوامل اجتماعی- فرهنگی و رشد خود و خانواده به‌عنوان یک واسطه ارتباط وجود دارد (کاگیت چیباسی، ۱۹۹۶). این مدل رابطه بین جامعه و فرهنگ، خانواده و توسعه فردی و چگونگی درک کودکان به‌عنوان ارزش اقتصادی توسط والدین را توصیف می‌کند (باتیرا و پساندو،[2] ۲۰۲۱).

علاوه بر این، نظریه گلفاند[3] و همکاران (۲۰۰۶) مفهوم تنگدستی فرهنگی را مطرح می‌کند. این نظریه نقش هنجارهای اجتماعی، محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی و انگ تحمیل‌شده بر افراد در جوامع را تشریح می‌کند. برخی از این دیدگاه‌ها به درک این‌که چرا به‌راحتی نمی‌توان موانع کاهش ازدواج کودکان را از بین برد، کمک می‌کند (باتیرا و پساندو،[4] ۲۰۲۱).

نظریه‌پردازان علوم سیاسی و مروجان حقوق بشر اغلب استدلال می‌کنند که نیروهای فرهنگی در ازدواج کودکان نقش ایفا می‌کنند. فرهنگ، در این موارد شامل باورهای مذهبی و شیوه‌های سنتی یا قومی است. بسیاری از محققان از این عوامل تقریباً به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای استفاده می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، در مطالعه نصرالله و همکاران در مورد درک زنانی که در کودکی در لاهور پاکستان ازدواج کرده بودند، بسیاری از انتخاب والدین خود برای ازدواج زیر ۱۸ سالگی سخن گفتند. مصاحبه‌ها نشان دادند که «تأثیرات متقابل ادراکات فرهنگی و اجتماعی، تفسیر متنوع مذهب و حفاظت از خانواده، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند نقش خود را در ادامه ازدواج کودکان در پاکستان بازی کنند». افتخار به بکارت دختران اغلب انگیزه اصلی والدین برای ازدواج دخترانشان است (زیبل،[5] ۲۰۱۶).

به‌طورخاص، کوهنو[6] و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی و زمینه‌ای ازجمله احساس ناامنی مرتبط با خشونت و درگیری (که ازدواج زودهنگام را به یک استراتژی «محافظت‌کننده» برای دختران جوان تبدیل می‌کند)، محدودیت‌های مالی از طرف خانواده‌ها، اجرای قوانین ناکافی، اختلاف بین دانش اجتماعی و شخصی (یا خانوادگی) در مورد سن رسمی ازدواج، ارزش‌های فرهنگی خانوادگی (که ازدواج کودکان را عادی می‌کند و آن را به‌عنوان یک نتیجه مطلوب و بافضیلت برای دختران جوان معرفی می‌سازد) و مناسبات مذهبی موجب شیوع مداوم این پدیده است. باورهای درون خانواده و جامعه که ازدواج را تقویت‌کنندهٔ بلوغ معنوی انسان در دین می‌دانند، فقدان استقلال در تصمیم‌گیری در کنار مهارت‌های

1. Kagitcibasi
2. Batyra, & Pesando
3. Gelfand
4. Batyra, & Pesando
5. zabel
6. Kohno

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

ضعیف مذاکره و مهم‌تر از همه نفوذ شدید ایدئولوژی‌های مردسالارانه در ساختار خانواده‌ها و جوامع می‌تواند مقوم کودک‌همسری باشد (باتیرا و پساندو،[1] ۲۰۲۱).

۳. پیشینهٔ پژوهش

ساویتری دینا[2] عوامل و پیامدهای ازدواج زودهنگام در جاوای اندونزی را مورد بررسی قرار داد. بررسی وی نشان می‌دهد که برخی سنت‌های فرهنگی بر سن ازدواج دختران در جاوا تأثیرگذار است. مثلاً دختری که ۱۷ سال داشته و هنوز ازدواج نکرده باشد، به او دوشیزه پیر گفته می‌شود که مایهٔ خفت و خواری خانواده‌اش است. این امر والدین را تشویق می‌کند که دخترانشان را بلافاصله بعد از اولین دورهٔ قاعدگی شوهر دهند.

مطالعه چودری (۲۰۰۴) درزمینهٔ عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر ازدواج کودکان در روستایی در بنگلادش، نشان داد که هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، فقر، باورهای محلی، کنترل شخصیت زنان، تحقق آرزوهای والدین، جهیزیه کمتر در سنین پائین، ترس از تجاوز و اذیت شدن دختران توسط مردان، ازدست‌رفتن زیبایی دختران و جلوگیری از شرمندگی و برچسب خوردن و وجود خانواده‌های پدرسالار، از مهم‌ترین دلایل ازدواج زودهنگام است (چودوری، ۲۰۰۴).

مطالعه سالی کاسینامونداً[3] (۲۰۱۶) با عنوان «مذهب و ازدواج‌های کودکی در منطقه جوهان مارانج» بیانگر آن است که تاریخچه ازدواج‌های کودکی در زیمبابوه به دورهٔ قبل از استعمار برمی‌گردد که نشان می‌دهد ازدواج‌های کودکی منشأ فرهنگی سنتی داشته‌اند. عواقب بسیاری از این نوع ازدواج‌ها، بی‌سوادی، سوءاستفاده از زنان و کاهش سلامتی است.

در پژوهش کامیل احمدی (۱۳۹۵) با عنوان «طنین سکوت»، مسئله ازدواج کودکان در ۷ استان ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های وی نشان داد هرچند که روند کودک‌همسری رو به کاهش است، اما در مقابل، طلاق کودکان روند افزایشی دارد. همچنین فقر، تحصیلات پایین، فقدان حمایت قانونی، فشارهای اجتماعی، نگاه مردسالارانه و باورهای سنتی و مذهبی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تداوم کودک‌همسری است.

در تحقیق افتخارزاده (۱۳۹۴) با عنوان تجربهٔ زیستهٔ زنان در ازدواج زودهنگام، محقق به کنکاش در تجربیات زندگی زنانی پرداخته است که در کودکی ازدواج کرده‌اند. نتایج نشان داد ازدواج زودهنگام می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی، مهم‌ترین عوامل رخداد ازدواج زودهنگام در نمونهٔ مورد مطالعه بوده است. مضمون‌های استخراج‌شده مشخص نمود که زنان در ازدواج زودهنگام با مشکلات متعددی روبرو هستند. به نظر می‌رسد رشد اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند یک عامل پیشگیری‌کننده باشد، ولی کفایت آن مستلزم تغییر نگرش‌ها، فرایندها، فرهنگ و قانون است.

1. Batyra, & Pesando
2. Savitry Dina
3. Saly casinamunda

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

قاسمی و دادجو در بررسی آسیب‌شناسی پدیدهٔ کودک‌همسری در ایران در سال ۱۳۹۶ به عوامل پیدائی کودک‌همسری (در رأس آن‌ها فقر) و پیامدهای آن از سه زاویهٔ جسمی و روانی، اجتماعی و حقوقی اشاره نموده‌اند.

پژوهش‌های یادشده نقش وضعیت اقتصادی و تربیتی خانواده، نقش فرهنگ جامعه و سیستم قضایی و حقوقی کشور را در ازدواج زودهنگام کودکان مؤثر می‌دانند.

٤. روش تحقیق

تحقیق پیش رو با رویکرد گرندد تئوری[1] به واکاوی پدیدهٔ کودک‌همسری در بین زنان مطلقه پرداخته است. لاوس و مک‌لود[2] (۲۰۰۶) اذعان دارند که نظریه زمینه‌ای با هدف تولید نظریه و ماهیت استقرائی‌اش، از عهده مجموعه پیچیده‌ای از داده‌های چندبعدی متغیرهای مرتبط برمی‌آید (کلاکی، ۱۳۸۸). ازآنجاکه به نظر می‌رسد پدیدهٔ کودک‌همسری ماهیتاً دارای ابعاد پیچیده و مبهمی است که می‌توان با استفاده از نظریه زمینه‌ای آن را کشف و واکاوی کرد، برای انتخاب شرکت‌کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. معیار انتخاب مشارکت زنانی بودند که از همسر خود جداشده و هنگام ازدواج ۱۸ ساله یا کمتر بودند. نمونه‌ها از طریق سازمان بهزیستی به‌صورت غیررسمی معرفی شدند.

در جمع‌آوری اطلاعات، از تکنیک مصاحبهٔ کیفی عمیق از روش نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شد. با توجه به هدف مطالعه، کشف تجربیات زندگی زنان مطلقه در ازدواج زودهنگام، ۱۴ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. ابتدا با هر فرد به‌طور جداگانه مصاحبه انجام شد. مدت مصاحبه یک‌ونیم تا دو ساعت در نظر گرفته شد. سپس متن مصاحبه‌ها پیاده و سپس از سه روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای دستیابی به یک الگوی پارادیمی استفاده شد. در این پژوهش برای رسیدن به قابلیت اعتماد از سه تکنیک ممیّزی، بررسی توسط اعضا و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شده است. در تکنیک ممیزی، بعد از انجام مصاحبه‌ها و پیاده کردن آن‌ها، مقولات به مشارکت‌کنندگان نشان داد شد تا گفته‌های خود را تأیید کنند. در تکنیک بررسی توسط اعضا، داده‌ها بعد از این‌که کدگذاری، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شد به‌وسیله متخصص روش کیفی نظریه زمینه‌ای بررسی و تأیید شد. در مقایسهٔ تحلیلی برای تأیید مقولات به داده‌های خام رجوع می‌شود تا نظریه با داده‌ها تأیید شود و از داده‌ها برای غنی‌تر شدن نظریه استفاده شود و مقایسه تحلیلی برای تأیید نظریه نهایی و مقوله هسته به کار گرفته می‌شود.

۵. یافته‌ها

۱-۵. توصیف مشارکت‌کنندگان تحقیق

در جدول شمارهٔ ۱، ویژگی‌ها زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در تحقیق منعکس شده است.

1. Phenomenology
2. Laws and Mcleod

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

جدول شماره ۱: توصیف ویژگی‌ها زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

نام	سن در حال حاضر	سن هنگام ازدواج	سن هنگام طلاق	شغل	تعداد فرزندان	سن هنگام بارداری	تحصیلات	شغل پدر
زهرا	۴۷	۱۳	۲۳	خانه‌دار	۳	دو ماه بعد از ازدواج	زیر دیپلم	کارگر
معصومه	۳۵	۱۵	۲۴	خانه‌دار	۳	سال اول	کلاس ششم	کارگر
رؤیا	۳۰	۱۴	۲۵	مربی موسیقی	۳	یک ماه بعد از ازدواج	لیسانس	جوشکار
هستی	۴۰	۱۳	۳۱	راننده آژانس	۴	۴ ماه بعد از ازدواج	دیپلم	آزاد
زهره	۴۹	۱۶	۳۵	معلم	۴	سال اول	لیسانس ادبیات	نظامی
سیما	۴۰	۱۴	۳۵	خانه‌دار	۳	دو ماه بعد ازدواج	سیکل	کشاورز
عفت	۳۵	۱۵	۲۲	خانه‌دار	۳	۴ ماه بعد ازدواج	سیکل	مقنی
مهشید	۳۴	۱۵	۳۰	راننده آژانس	۳	سال اول	سیکل	خلاف‌کار
مریم	۳۳	۱۶	۲۱	کار در خانه‌های مردم	۳	ماه اول ازدواج	زیر دیپلم	خلاف‌کار
اعظم	۲۰	۱۲	۱۹	خانه‌دار	-	سقط - سال اول	زیر دیپلم	فروشنده مواد مخدر
فاطمه	۲۷	۱۱	۲۵	کار در خانه‌های مردم	۳	سال اول	زیر دیپلم	آزاد
شیما	۱۹	۱۳	۱۸	خانه‌دار	-	سقط- ۵ ماه بعد ازدواج	زیر دیپلم	آزاد
محبوبه	۲۲	۱۸	۲۰	خانه‌دار	۲	۱۰ ماه بعد ازدواج	کلاس پنجم	آزاد
مهدیه	۳۷	۱۴	۳۰	خانه‌دار	۳	سال اول	بی‌سواد	کشاورز

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

۲-۵. واکاوی مفاهیم

در فرایند واکاوی و کشف مفاهیم در مصاحبه‌ها، ۵۵ مفهوم اصلی استخراج گردید که در قالب ۱۱ مقولهٔ محوری قرار داده شد. جدول شماره ۲ نشانگر مفاهیم باز و مقوله‌های محوری است. در تحقیق حاضر شرایط علّی مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی که به ایجاد پدیدهٔ کودک‌همسری منجر شده است عبارت‌اند از: نبود خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن، ضعف قوانین در ازدواج، فقر و تنگدستی، پدرسالاری و استیلای قدرت پدر.

شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط‌اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع‌واحوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ دهند. در این پژوهش شرایط زمینه‌ای عبارت‌اند از: سنت‌ها و باورهای مذهبی و فرهنگی.

منظور از شرایط مداخله‌گر و میانجی، وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند؛ به‌عبارت‌دیگر، این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند (طاهری بنچاری، ۱۳۹۶). ازجملهٔ این عوامل در پدیدهٔ کودک‌همسری، می‌توان به نداشتن درک روشن افراد از هویت خود اشاره کرد.

راهبردها در کنش‌ها و برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری ناشی می‌شوند، تعریف می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر شرایط راهبردی عبارت است از دردمندی روحی و جسمی، تجربه خشونت، ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی، بی‌قدرتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری که منتج‌شده از پدیدهٔ کودک‌همسری است.

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش استروس و کوربین، پیامدهاست (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲). هر جا انجام یا عدم انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی خواسته و ناخواسته شکل می‌گیرد. شرایط پیامدی تحقیق حاضر در بحث کودک‌همسری، بی‌علاقگی به زندگی مشترک، ترک و طلاق است.

۳-۵. مقوله‌های محوری

- **نبود خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن**

تقریباً همه مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که خانواده پایگاهی امن برایشان نبوده است. رؤیا که یکی از مصاحبه‌شوندگان است می‌گوید:

> «خانوادهٔ ما خانواده گرم و محکمی نبود، این‌قدر با خواهرام کمبود محبت داشتیم که عاشق شخصیت‌های کارتونی می‌شدیم، دوست داشتیم باهاشون ازدواج کنیم و زندگی کنیم».

در خانواده‌هایی که از ثبات برخوردار نیستند، اکثر نابهنجاری‌های رفتاری، عاطفی و اخلاقی پدیدار می‌شود. این وضعیت مشکلات دیگری ازجمله عدم موفقیت ازدواج را سبب می‌شود. در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو تندخو و خشن‌اند و فرزندان در کانونی پر از مشاجره بزرگ می‌شوند، پسر و دختر ممکن است در انتخاب همسر دچار مشکل شوند (شفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

جدول شماره ۲: مفاهیم باز و مقوله‌های محوری پژوهش

مقوله	مفهوم
فرار از محیط زندگی و خانواده؛ تعصب افراطی در خانه؛ مشقت زندگی؛ عشق و دلباختگی به دیگری؛ خانوادهٔ ازهم‌گسیخته؛ والدین ناسازگار؛ نبود صمیمیت در خانواده؛ بی‌کفایتی والدین؛	نبود خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن
بی‌مسئولیتی پدر (بی‌کفایتی پدر)؛ ترس از پدر؛ نبود صمیمیت بین پدر و فرزند؛ استیلا و سلطهٔ پدر در خانواده؛	پدرسالاری
وضعیت بد مالی (فقر)؛ بی‌پولی، تنگ‌دستی و نداری؛	فقر
عقد غیرقانونی؛ تغییر قانون؛	ضعف قوانین در ازدواج
تهدیدشدن از سوی شوهر به خاطر سقط؛ کتک خوردن؛ سخت و دردناک بودن رابطه زناشویی؛ خشونت کلامی و بی‌مهری همسر؛ خشونت و اعتیاد همسر؛ خیانت و بی‌وفایی؛	تجربه خشونت
دیدگاه مذهبی و سنتی داشتن؛ رسم و رسوم؛ نگرش مردم درباره ازدواج دختران؛	سنت‌ها و باروهای مذهبی و فرهنگی
حاملگی دردناک و سخت؛ سقط؛ کم‌خونی؛ مریضی و دردمندی در بارداری؛ افسردگی؛	دردمندی روحی و جسمی

مفهوم	مقوله
ناآگاهی در ازدواج؛ نداشتن تصور مشخصی از آینده؛ شرایط بهتر و محبت بیشتر؛ عدم شناخت عمیق از خود؛ عدم درک سختی‌های زندگی؛ تصور واقعی از زندگی در سال‌های بعد؛ تحصیلات و تغییر منش فکری؛ تغییر طرز فکر؛ علاقه به پیشرفت؛ بالا رفتن سن و تغییر خواسته‌ها؛ زندگی به‌دلخواه و خواست خود؛	نداشتن درک روشن از هویت خود
ناآگاهی و بی‌اطلاعی از زندگی زناشویی؛ اطلاعات کم و پراکنده از زندگی زناشویی؛ حاملگی ناخواسته؛ بلد نبودن بچه‌داری؛ نداشتن تصور از مفهوم بچه‌داری؛ عدم توانایی در نگهداری از فرزند؛	ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی
بارداری به خاطر جلب توجه و محبت دیگران؛ اجبار در حاملگی از سوی دیگران؛ دخالت دیگران در زندگی؛ نداشتن استقلال در زندگی و کنترل‌گری همسر؛ نادیده گرفته شدن؛	بی‌قدرتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری
نارضایتی از همسر؛ نداشتن عشق و محبت به همسر؛ بی‌علاقگی به‌واسطهٔ اجبار در ازدواج؛ تصمیم به ترک و رهایی از زندگی؛ خیانت به همسر؛ جدایی و فرار؛	بی‌علاقگی به زندگی مشترک، ترک و طلاق

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

سودابه درباره وجود مشکلات فراوان در خانواده‌اش ازجمله اعتیاد والدینش می‌گوید:

«می‌گفتم خدایا میشه منم یه روزی ازدواج کنم از دست این خانواده راحت بشم؟»

زهرا می‌گوید:

«من فکر می‌کردم اگر ازدواج کنم، حتی تو اون سن پایین، اوضاع بهتر می‌شه، می‌رم تو یه زندگی دیگه برای خودم و دیگه کسی منو اذیت نمی‌کنه و دیگه شاهد دعوای پدر و مادرم نیستم».

در مرور پژوهش‌های مرتبط با نگرش به ازدواج، می‌توان به یافته‌های استن و هاتچینسون اشاره کرد که معتقدند نگرش به خود یا دیگران تحت تأثیر خانواده است. وایز و کیگ معتقدند افراد الگوهای شناختی رفتاری و عاطفی خود را از محیط خانواده می‌گیرند و محیط خانواده در عزت‌نفس، انتظارها، نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی افراد دربارهٔ مسائل گوناگون اثر می‌گذارد (شفایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

حمیده دراین‌باره می‌گوید:

«من به این خاطر ازدواج کردم که فقط و فقط می‌خواستم توی روستا نباشم، اصلاً اون محیط رو دوست نداشتم. دوست داشتم ازدواج کنم که فقط برم شهر. خیلی کمبود شهرستان داشتم».

- **نابسنده بودن قوانین ازدواج**

قانون مدنی ایران به‌طور قاطع ازدواج زیر سن ۱۸ سال را ممنوع نکرده و برای اجراکنندگان آن مجازات جدی در نظر نگرفته است. در یکی از مصاحبه‌ها رؤیا که قربانی کودک‌همسری شده است، می‌گوید:

«ای‌کاش می‌شد جلوش رو گرفت و نگذاشت که دختر رو زود عروس کرد».

ابهام قوانین در مورد سن ازدواج زمینه‌ساز سودجویی‌های بسیار ازجمله عقدهای غیرقانونی است. اعظم دراین‌باره گفته است:

«با پدرم و برادراش سوار یک ماشین خاور شدیم رفتم بم تا یه محضر آشنا عقدمون رو ببنده، آخه کرمان عقد نمی‌بستند».

- **تنگدستی و فقر**

شاید بتوان گفت فقر دلیل اصلی ازدواج طفل است، زیرا با خروج یک نفر از منزل، منفعتی نصیب دیگر اعضای خانواده می‌شود. از دیگر سو، والدین با ازدواج کودک خویش، از فراهم آوردن جهیزیه و پرداخت هزینه بالا برای ازدواج در سنین بالاتر آسوده‌خاطر می‌شوند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶).

ازآنجاکه خانواده‌ها معمولاً برای ازدواج دخترشان پولی بابت مهریه و شیربها و... مطالبه می‌کنند، ازدواج دختر در سنین کودکی برایشان منفعت‌آور است؛ زیرا نه‌تنها از هزینه‌های خانوار شامل هزینه تغذیه، تحصیل و پوشاک کم می‌کند، بلکه سود و منفعت مادی و اقتصادی نیز فراهم می‌کند.

منصوره دراین‌باره می‌گوید:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

«مادرم زود عروسم کرد، چون وضع مالی خوبی نداشتیم، توی خونه این و اون کار می‌کرد. یه نفر هم کم می‌شد خوب بود. موقع خواستگاری هم حتی لباس دختر همسایه رو قرض گرفتم».

- **پدرسالاری و استیلای قدرت پدر**

پدرسالاری عمل کردن به خیر و صلاح دیگران، بدون رضایت ایشان است، آن‌گونه که پدر برای فرزندان خویش می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر به معنای رفتار قیم‌مآبانهٔ پدر نسبت به فرزندان خویش است که هرگاه انجام یا ترک‌فعلی را به ضرر آن‌ها ببیند از جهت ولایتی که برای خود می‌پندارد، آن‌ها را از انجام یا ترک آن بازمی‌دارد یا بدان امر می‌کند، این فرآیند می‌تواند اجبارآمیز نیز باشد (جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴).

زهرا دراین‌باره می‌گوید:

«حرف حرف بابام بود اصلاً از من نپرسید تو می‌خواهی ازدواج کنی یا نه».

اعظم می‌گوید:

«پدرم آدم مقتدری بود همه ازش حرف‌شنوی داشتن و یه جورایی بزرگ خاندان حساب می‌شد. وقتی گفت باید با پسر برادرش ازدواج کنم، دیگه باید ازدواج می‌کردم به مادرم گفتم من با دو تا بچه طلاق می‌گیرم برمی‌گردم همین‌جا و همین‌طور هم شد».

- **سنت‌ها و باورهای فرهنگی و مذهبی**

یکی دیگر از علل ازدواج زودهنگام، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی است؛ به‌نحوی‌که در نمونه مورد مطالعه در تحقیق افتخارزاده (۱۳۹۴) مشاهده شد، زنانی که خودشان در کودکی ازدواج کرده‌اند دخترانشان و حتی نوه‌های دخترشان نیز باوجود تغییر زمانه در سنین ۱۴-۱۷ سال ازدواج کرده‌اند. به نظر می‌رسد فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی می‌تواند موجب بازتولید ازدواج زودهنگام شود (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

ازدواج اجباری فرزندان در سنین پایین، راهی برای تقویت خانواده، قبیله و ارتباطات قبیله‌ای و یا تعهدات استقرار است. به‌عنوان‌مثال، در ولایت مرزی شمال غربی پاکستان و در برخی از مناطق خاورمیانه، ازدواج دختران جوان یک روش معمول برای جبران بدهی خانواده‌ها یا حل‌وفصل اختلافات خانوادگی است. در اصل، ازدواج اجباری فرزند ریشه در سنت دارد (مال هوترا، ۲۰۱۰).

عفت درباره نقش سنت‌ها می‌گوید:

«توی روستای ما یه عادتی بود که بچه‌ها رو بین سن ۱۱ تا ۱۳ سالگی عقد می‌بستند؛ و یا اینکه: وقتی می‌گم طرف ۱۹ سالش بوده توی منطقهٔ ما یعنی دختر ترشیده بود. همه اونجا کم سن و سال بودند که ازدواج کردند».

آموزه‌های مذهبی نیز در تعیین سن ازدواج دخیل هستند. دین با قدرت مسلطش بر کنترل هنجارها و شکل دادن به فرهنگ، یک عامل اثرگذار و چشمگیر برای مردمی است که آن را سرلوحهٔ تصمیمات اساسی‌شان قرارمی دهند. قدرت دین به نحوی در نقش والدینی افراد نفوذ کرده که به مالکیت فرزندان توسط والدینشان

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

منجر شده است (احمدی، ۱۳۹۵).

دربارهٔ نفوذ مذهب و نقش دین مریم می‌گوید:

«پدرم آدم مذهبی بود می‌گفت دختر مثل میوه می‌مونه، وقتی رسید باید اون رو چید نباید بذاریم بپوسه».

- **نداشتن درک روشنی از هویت خود**

دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، دانش و مهارت لازم را در زندگی کسب نمی‌کنند و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل مواجه می‌شوند و به دلیل نداشتن اعتمادبه‌نفس کافی، همواره متکی به دیگران هستند و از قدرت تصمیم‌گیری بالایی در زندگی برخوردار نیستند. در ازدواج کودکان، کودک درست زمانی که وارد مرحله نوجوانی می‌شود و باید هویت خود را بیابد، بدون گذراندن مناسب این دوران وارد دوره بعدی یعنی بزرگسالی می‌گردد و چون هویت شخصی شکل نگرفته است، فرد با خودپنداره‌ای ضعیف وارد زندگی می‌شود که یا تصور اشتباهی دارد و یا اصلاً هیچ تصوری از زندگی ندارد (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

یکی از افراد مصاحبه‌شونده می‌گوید:

«الآن می‌فهمم که زندگی فقط دوست داشتن نیست، خرج داره، مسئولیت داره، بچه خرج داره، پول آب و برق و کرایه و هزارتا مشکل دیگه».

مهدیه می‌گوید:

«ما باید می‌فهمیدیم که زندگی چیه، اصلاً هیچی نمی‌فهمیدیم».

- **تجربه خشونت**

تجربه عام زنان موردمطالعه از خشونت خانگی نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام می‌تواند عامل بروز خشونت خانگی باشد. به نظر می‌رسد زن در ازدواج زودهنگام به علت سن پایین، ناآگاهی از حقوق خود، قطع ارتباط با دنیای خارج پس از ازدواج و ترس شدید از تنبیه شدن، مانند یک کودکِ در معرض خشونت نمی‌تواند از خود دفاع کند و به‌طورمکرر تحت خشونت قرار می‌گیرد. ترس شدید باعث پنهان‌کاری و عدم بیان مشکلات به خانواده و اطرافیان می‌شود. بسیاری از زنان که تجربه کودک‌همسری دارند، خشونت را نیز در کنار آن تجربه کرده‌اند (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

به‌عنوان‌مثال، معصومه می‌گوید:

«چهار پنج روز از عقدمون نگذشته بود، یک‌شب شوهرم سوار موتورم کرد رفتیم جنگل قائم. به من گفت آوردمت اینجا یه بلایی به سرت بدهم. منم این‌قدر جیغ کشیدم و گریه کردم. بعد فهمیدم که فقط می‌خواست سر به‌سرم بذاره».

جایگاه غالب ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری جنسیتی، تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای جنسی ضمنی، کلیشه‌های جنسی، فشار اجتماعی و سختی‌های خانوادگی همچنان تداوم می‌یابد (احمدی، ۱۳۹۵).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

زهره درباره تجربهٔ خود می‌گوید:

«اول زندگی کتک می‌زد. دو، سه سال بعد دنبال دختربازی و هوس بود، من خودم چندین بار دیدم و می‌گفت به تو ربطی نداره، سال‌های بعدشم معتاد شد و افتاد به مواد کشیدن و خیلی داغون شد».

- **ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری**

سازمان ملل متحد ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند.

زهرا دراین‌باره می‌گوید:

«من خیلی از مسائل رو بلد نبودم و کم‌کم توی زندگی فهمیدم اصلاً خیلی چیزها رو نمی‌دونستم چی هستند».

ناتوانی جسمی دختران برای مادر شدن و مشکلات زایمان‌های سخت و زودهنگام، افزایش سقط‌جنین، افزایش شمار نوزادان کم‌وزن و نارس، ناتوانی مادر در نگهداری کودک و تربیت فرزند همگی ازجمله آسیب‌هایی است که از کودک‌همسری ناشی می‌شود درواقع ما با مادرانی روبرو هستیم که به لحاظ سنی نمی‌توانستند از مسائل زناشویی آگاهی داشته باشند و مرجع مناسبی هم برای آشنایی و آگاهی آن‌ها وجود نداشته است. این زنان با مسائل زناشویی از طریق همسایه‌ها یا دوستان آشنا می‌شوند.

زهره دراین‌باره می‌گوید:

«سه ماه بعد از عروسی حامله شدم برای اینکه فقط بهم بگن مامان! و اینکه دیگران دوستم داشته باشن».

معصومه می‌گوید:

«یه بار سقط کردم وقتی داشتم توی کوچه با دختر همسایه والیبال بازی می‌کردم، نمی‌دونستم که حامله هستم و منم فکر نمی‌کردم که خطری داشته باشه».

- **دردمندی روحی و جسمی**

بارداری‌های ناخواسته دختران را به سمت سطوح بالای استرس‌های جسمی و روحی سوق می‌دهد، زیرا بدن و ذهن آن‌ها برای بارداری آماده نیست. ازدواج کودکان دروازه‌ای به زایمان‌های پرخطر و متعدد است. فشار زیادی به دختر برای اثبات قدرت بارداری و باروری به فامیل، همسر و جامعه وارد می‌شود، حتی قبل از اینکه او توانایی تکمیل رشد جنسی و جسمی خود را داشته باشد و حتی پیش از آنکه بلوغ عقلی، روان‌شناختی و عاطفی لازم برای بارداری و قبول مسئولیت یک زندگی جدید در او شکل گرفته باشد. بارداری‌های مکرر و زودهنگام می‌تواند باعث جراحات همیشگی و تضعیف‌کننده سلامت جسم روح و بقای مادر و بچه شود. از طرفی ازدواج در کودکی و پذیرفتن مسئولیت یک زندگی در سن کم باعث فرسایش روح و افسردگی در این زنان کوچک می‌شود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

هستی می‌گوید:

«بار اول که حامله شدم خیلی درد کشیدم و اذیت شدم کم‌خونی داشتم همه می‌گفتن بچه‌اش نمی‌مونه ولی بچه‌ام سالم به دنیا اومد ولی خودم خیلی ضعیف شدم بعد از سه تا بچه آوردن کلی دردمندم و مریض شدم».

سیما می‌گوید:

«بچه دومم رو به خاطر این به دنیا آوردم که شوهرم رو به زندگی پابند کنم ولی اون نموند و من افسرده و افسرده‌تر شدم».

- **بی‌قدرتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری**

بر مبنای نظریه‌های فمینیسمی قدرت خانواده باید بین اعضا به‌صورت یکسان توزیع شود و نباید در دست مردان متمرکز باشد؛ زیرا از یکسو، قدرت مطلق داشتن زمینه سوءاستفاده‌های مردان در ستم بر زنان را بیشتر فراهم می‌کند و از سوی دیگر، عواملی که فساد آوری قدرت را تعدیل کند نیز وجود ندارند.

تجربهٔ زهرا دراین‌باره می‌گوید:

«همه‌کاره خودش بود. به هم می‌گفت با دخترخاله‌ات بیرون نرو دوست ندارم، این کار رو نکن دوست ندارم، فلان جا بدون اجازه من نرو...».

این زنان معتقد بودند قدرت تصمیم‌گیری درباره امور زندگی خودشان را نداشتند، دخالت‌های دیگران ازیک‌طرف و اقتدار و کنترل گری همسرشان از طرف دیگر باعث ایجاد احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در آن‌ها می‌شد.

ریحانه دراین‌باره می‌گوید:

«مادر شوهر و خواهرشوهرم دخالت می‌کردن و همیشه طرف شوهرم رو می‌گرفتند».

به نظر می‌رسد که در شرایط کودک‌همسری مرد به بهانه پایین بودن سن زن بیشتر احتمال دارد که حق تصمیم‌گیری در امور شخصی و خانوادگی را از او سلب کند.

- **بی‌علاقگی به زندگی مشترک، ترک و طلاق**

دل‌زدگی یا بی‌علاقگی، فقدان دل‌بستگی عاطفی است که شامل کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش احساس دلسردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است (کایزر، ۱۹۹۳) زنانی که در کودکی و به‌اجبار تن به ازدواج داده‌اند به‌تدریج از زندگی با همسر خویش دل‌زده و بی‌علاقه می‌شوند.

مریم دراین‌باره می‌گوید:

«من به‌زور بابام زنش شدم، چون نه کاری داشت نه شغلی داشت، هیچی منم وقتی این‌جوری بود خیلی علاقه‌ای نداشتم کنارش باشم و کاری کنم. اصلاً مهری بهش نداشتم».

مهدیه اظهار می‌دارد:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

«شوهرم رو دوست نداشتم اصلاً نمی‌خواستم باهاش رابطه داشته باشم وقتی من رو می‌خواست، من چشمام رو می‌بستم و اصلاً حسی نداشتم. خیلی بزرگ‌تر از من بود. از همون اول می‌خواستم جدا شوم».

در زنان مطلقه که داری تجربه کودک‌همسری بودند، درک دوباره از خود در آن‌ها به‌واسطهٔ تثبیت نشدن هویتشان و تداخل نقش‌های بزرگسالی در زمانی که کودک و یا نوجوان بودند، باعث شده در تلاش برای تغییر هویت خویش برآیند و در پی ایجاد هویت جدیدی بودند، آن‌ها مسیر دستیابی به هویت جدید را رهایی از تعهدات خویش به زندگی مشترک زودهنگام خود پیدا کرده بودند و به‌واسطهٔ طلاق در پی ایجاد خود جدیدی بودند.

رؤیا می‌گوید:

«من اون وضع رو نمی‌خواستم من درس خونده بودم حالا خودم به را خودم کاری داشتم می‌خواستم ادامه بدم دیگه تحملش سخت شده بود و می‌خواستم جدا بشم».

فرد دیگری از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من دیگه فکرم عوض شده بود. از همون جا اختلاف‌ها شروع شد، خانوادهٔ شوهرم روستایی بودند دوست داشتن من رو به برن اونجا ولی من می‌خواستم پیشرفت کنم».

۴-۵. مقولهٔ هسته

بازاندیشی در «خود» با جدائی از زندگی کودکانه: بازاندیشی در مورد «خود» فرآیندی مداوم و فراگیر است که طی آن فرد، در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقاتی که افتاده است به بازپرسی از خود می‌پردازد. ساخت خود، طرح بازاندیشانه‌ای است که بخش اساسی مدرنیت را می‌سازد. در اینجا فرد از میان گزینه‌هایی که نظام انتزاعی فراهم می‌کند هویت خود را می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۷). فرد به کمک تکنیک‌های گوناگون، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌کند. تجربیات تازه و متنوع، زمینه را برای تنوع روش‌های عمل مهیا می‌سازد. چنین شرایطی زمینه را برای بریدن از الگوهای رفتاری جاافتاده آماده می‌کند که البته این امر ممکن است خطراتی هم در پی داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۷، به نقل از بوستانی ۱۳۹۰).

در زنانی که تجربه کودک‌همسری دارند، زندگی مشترک در زمانی که فرایندهای تشکیل هویت به‌صورت کامل در فرد شکل نگرفته‌اند، شروع می‌شود. دوره نوجوانی به باور بسیاری از صاحب‌نظران، مرحله حساس شکل‌گیری هویت است (اعزازی، ۱۳۷۹). در طول ۱۱ - ۲۱ سالگی نوجوان همواره حول محور هویت‌یابی، از سردرگمی هویت به دستیابی هویت و از بحران‌زدگی به ثبات و آرامش در سیلان و تعلیق است (مارسیا[1]، ۲۰۲۰).

این دوره به دو دلیل مهم‌ترین مرحله در تئوری رشد محسوب می‌شود: اول) دوره‌ای گذرا بین دوراهی کودکی و بزرگسالی است. دوم) این زمان یک دوراهی ساختار شخصیتی است مثل «هویت» که به

1. Marcia

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

ساختارهای قبلی «من»، «خود» و «فراخود» اضافه می‌شود؛ بنابراین در طول دوراهی نوجوانی اصول و نقش‌های قبل باید دوباره فرمول‌بندی شود و نوجوانی اولین دوره‌ای است که در آن همه اجزای الزام برای ساختار شخصیت وجود دارد؛ مانند رشد جنسی، فیزیکی، شناختی و رشد همهٔ اصول اخلاقی (مارسیا، ۲۰۲۰). بدیهی است تصمیم‌گیری در امر مهمی مانند ازدواج و شروع یک زندگی مشترک در دوره کودکی و نوجوانی، باعث ایجاد سردرگمی‌ها و ابهامات زیادی در شناخت شخصیت و دستیابی به معنای «خود» برای فرد خواهد شد.

مدل پارادایمی پژوهش

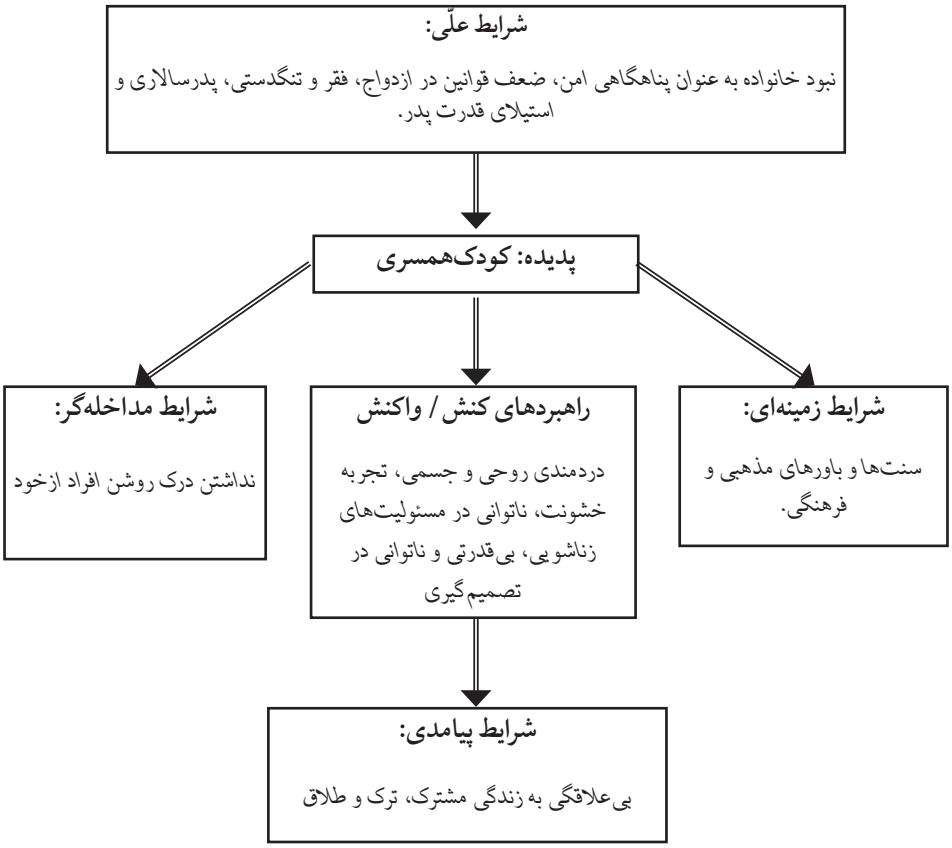

فاطمه که در یازده‌سالگی ازدواج کرده می‌گوید:

«اون وقتا من بچه بودم عروس شده بودم چی می‌فهمیدم از زندگی، نمونه‌اش دختر خودم من توی همین سن الآن دخترم ازدواج کردم، اون هنوز داره عروسک بازی می کنه».

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

اریکسون بحران اصلی دورهٔ نوجوانی را «هویت در برابر سردرگمی نقش» می‌داند. ازجمله خصوصیات بارز نظریهٔ وی توجه به حساسیت و اهمیت «هویت خود» در انسان است. ازنظر اریکسون حل بهینهٔ این بحران، هویت معنادار فردی را ایجاد می‌کند؛ و احساس «این‌همانی» و «پیوستگی» را در شخص به وجود می‌آورد. این امر دستاوردی است مهم که با آن شخص نوجوان گامی ارزشمند به‌سوی تبدیل‌شدن به فردی ثمربخش و خشنود برمی‌دارد. فرد برای این انسجام‌بخشی پیش از اینکه مسئولیت‌های زندگی بزرگسالی را بپذیرد به یک دوره برای تأمل و تفکر نیاز دارد که اگر صورت نگیرد نوجوان نمی‌تواند هویتی منسجم و یکپارچه پیدا کند و درنتیجه نمی‌تواند به شغل و مسلکی دست یابد و وارد اجتماع بشود (احدی و محسنی، ۱۳۸۱. به نقل از رضوی، ۱۳۸۸). حال اگر این دوران با ازدواج همراه باشد که فرد هویت جدیدی به دست می‌آورد، مشکلات عدیده‌ای برای نوجوان پدید می‌آید.

در حقیقت کودک همسران بدون دستیابی به یک شخصیت پایدار و هویتی مستقل، وارد نقش‌های مهمی چون همسر بودن و مادر شدن می‌شوند درنتیجه هنگامی‌که وارد سن بزرگسالی می‌شوند و یا حتی در همان سنین نوجوانی به بازاندیشی در هویت خویش می‌پردازند؛ اما چون قبل از حل مشکل سردرگمی در هویت خود، وارد مرحلهٔ بزرگسالی شده‌اند، پیامدهای تصمیماتشان بحرانی‌تر است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت آن‌ها مسیر دستیابی به هویت جدید را رهایی از تعهد خویش به زندگی مشترک زودهنگام می‌دانند و به‌واسطهٔ طلاق در پی ایجاد خود جدیدی هستند.

خط سیر داستان:

ازدواج زودهنگام یا کودک‌همسری، به تن دردادن به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود (یونیسف، ۲۰۲۱). افرادی که در این پژوهش حاضر به همکاری شده‌اند در سن کمتر از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. هنگام مصاحبه مشخص شد که اکثر مشارکت‌کنندگان در تحقیق خانواده و محیط آن را در روند ازدواج و انتخاب همسر تأثیرگذار دانسته‌اند. در کنار خانواده و تأثیرگذاری آن، آنچه می‌تواند مانع مهمی در کودک‌همسری شود وجود قوانین و عاملیت آن‌ها در جلوگیری از چنین رویدادهایی است. ولی متأسفانه قوانین خانواده و ازدواج در این قسمت ضعف‌های بسیاری دارند.

در ادامه این فرایند، فقر و تنگدستی از دیگر عوامل تأثیرگذار بر پدیدهٔ کودک‌همسری است. هنگام وقوع بحران‌های انسانی مانند فجایع طبیعی یا جنگ‌ها، شمار ازدواج کودکان افزایش می‌یابد. برای بسیاری از خانواده‌های فقیر، ازدواج دختر خود در سنین اولیه اساساً یک استراتژی برای بقای اقتصادی است؛ و به‌عنوان یک تدبیر و استراتژی در کاهش هزینه نگهداری کودک، ازدواج زودهنگام همواره مدنظر است؛ بنابراین می‌توان گفت که فقر از دلیل اصلی ازدواج زودهنگام است، از طرفی سنت‌ها و باورهای فرهنگی و مذهبی می‌تواند زمینه را برای ازدواج زودهنگام فراهم کند. در این میان نداشتن درک روشنی از «هویت خود» مزید بر مشکل می‌شود، دخترانی که زود ازدواج می‌کنند فاقد دانش و مهارت لازم برای زندگی است و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل مواجه شده و به دلیل نداشتن اعتمادبه‌نفس ناکافی، همواره متکی به دیگران بوده و از قدرت تصمیم‌گیری بالایی در زندگی برخوردار نیستند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

در ازدواج کودکان، کودک درست زمانی که وارد مرحله نوجوانی می‌شود و باید هویت خود را بیابد بدون آمادگی لازم وارد دوره بزرگسالی می‌گردد و چون هویت شخصی او شکل نگرفته است با خودپنداره ضعیف وارد زندگی می‌شود. درنتیجه یا از زندگی تصور اشتباهی دارد و یا اصلاً هیچ تصوری ندارد (افتخار زاده، ۱۳۹۴). درنهایت دردمندی، تجربه خشونت، بی‌قدرتی، ناتوانی در رتق‌وفتق امور زندگی زناشویی و بی‌علاقگی به آن از عواقب و پیامدهای ازدواج کودکان است.

ازآنجاکه مشارکت‌کنندگان در این تحقیق همه زنانی بوده‌اند که در سن پایین ازدواج کرده و پس از گذشت چند سال از همسر خود جداشده‌اند شرایط راهبردی که از کنش‌ها و واکنش‌هایی از پدیده محوری ناشی می‌شوند نشان می‌دهد که این زنان در یک بستر زمانی دست به بازاندیشی «خود» می‌زنند که بازنمود آن در جداشدن از زندگی زودهنگام کودکانه و طلاق است.

زندگی در شرایط سخت و مواجهه با رویدادهای ناخوشایند زمینه را برای بروز ناملایمات روزافزون و درنهایت تنش بین زوجین فراهم خواهد کرد. کودک با گذر زمان بر اندوخته‌های تجربی خود می‌افزاید و با بازتعریف مجدد و تازه‌ای از هویت خود سعی می‌کند بر عاملیت خود بیفزاید. به‌گونه‌ای که بسیاری از شرایط تحمیلی دیروز را مورد انتقاد خود قرار می‌دهد و سعی می‌کند از آن‌ها پلی برای رشد و تصمیم‌گیری خود بسازد. هویت مخدوش شده او که به‌طور کاذب او را بزرگسال وانمود کرده بود در گام جدید تعریف به حقیقت نزدیک شده‌ای از بزرگسالی را برای او به تصویر خواهد کشید به‌نحوی‌که طبق افق فکری جدید، او حاضر به پذیرش کودک‌همسری سابق به‌هیچ‌عنوان نخواهد بود.

٦. بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج کودکان نقض حقوق بشر است زیرا به سلامتی و رشد به‌ویژه دختران آسیب می‌زند و حقوق آن‌ها را برای تصمیم‌گیری در مورد زمان و کیفیت ازدواج سلب می‌کند. آن‌ها ازنظر رشد شناختی و عاطفی آمادگی پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌های مورد انتظار در روابط زناشویی را ندارند. کودک‌همسری پدیده‌ای است که در غیاب نقش عاملیت برای کودکان و در نبود ساختارهای حمایتی قوی و راهگشا به‌منظور حمایت از این افراد، روند تبدیل یک کودک در آن به همسر و مادر و در برخی موارد متأسفانه کودک بیوگی به‌سادگی رخ می‌دهد.

در چنین حالتی فرد بزرگسال کوچک به‌عنوان موجودی به حاشیه رانده‌شده تلقی می‌شود که زمینه تسلط و سلطه بر او به دلایل مختلف ازجمله پدرسالاری و تقدیرگرایی و بی‌قدرتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری فراهم است. نمونه‌هایی از این تسلط را می‌توان در عدم حق انتخاب مسائل حیاتی زندگی کودک توسط او و عدم ایفای نقش‌آفرینی او در ساختن مسیر زندگی‌اش مشاهده نمود. عروسان کوچک از حق تحصیل و رفتن به مدرسه، انتخاب رشته تحصیلی، نحوه خواب و آسایش، نحوه برقراری روابط جنسی، چگونگی گذراندن اوقات فراغت و... محروم‌اند و صدای محرومیت آنان گوش شنوایی را پیدا نخواهد کرد. از همین روست که عده‌ای معتقدند مسئله کودک‌همسری به دلیل درگیرکردن تعداد افراد اندکی در جامعه موضوعیت ندارد و این عامل خود بر دامنه رنج و عذاب این کودکان می‌افزاید.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

متأسفانه ازآنجاکه توسل به آداب‌ورسوم رسوب یافته از نسل‌های قبل و در مواقع کثیری، تشویق نهادهای مذهبی نوعی مشروعیت برای این پدیده به همراه دارد، پیامدهایی چون استثمار بدن و مواجهه با نوزادی دیگر برای بزرگ کردن در شرایطی که خود وی نیازمند مسائل تربیتی است؛ تحمل دردهای روحی و جسمی، تجربه خشونت در انواع آن و ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی از عواقب مترتب بر این سبک از تشکیل خانواده خواهد بود که نتیجه‌ای جز بی‌علاقگی به زندگی زناشویی نخواهد داشت.

می‌توان گفت که برای مدیریت این پدیده و یاری گری به کودکان بی عاملیت و کاستن از آسیب‌های آن شایسته است همه اجزای سیستم را با نگاه سیستمی مورد بررسی قرار دهد. از طرفی حداقل سن قانونی ازدواج از مهم‌ترین عواملی است که در ازدواج کودکان مؤثر است و اصلاح قوانین در این خصوص می‌تواند مانع جدی در این پدیده باشد. افزایش فرصت‌های تحصیل دختران برای کاهش این آسیب ممکن است کمک‌کننده باشد. فقر باورهای مذهبی و فرهنگی باید اصلاح شود. همچنین ضروری است خدمات مشاوره‌ای و پیشگیری از بارداری و برنامه‌های تنظیم خانواده گسترش یابد.

منابع

– ابراهیمی، حبیبه و فخرایی، سیروس. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودرس در شهرستان نقده، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۲۱: ۱۱۰-۹۳.

– احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). بررسی میزان شیوع ازدواج و طلاق کودکان در ایران، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره جدید، شماره اول: ۱۲۵-۱۴۰.

– احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). ضرورت بازنگری و افزایش سن ازدواج کودکان در قوانین ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، سال دوم، شماره هفدهم: ۲۵۱-۲۳۳.

– احمدی، کامیل. (۱۳۹۵). طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران، فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال دوم، شماره یازدهم:۲۸۱-۲۴۶.

– استراوس و کوربین. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نی.

– افتخارزاده، سیده زهرا (۱۳۹۴)، تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، شماره ۳: ۱۰۹-۱۵۶.

– بوستانی، داریوش. (۱۳۹۰). جوانان و هویت بازاندیشانه، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.

– بهنام، جمشید و شاهپور راسخ. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: خوارزمی.

– شفائی مقدم، الهام و محسن شاطریان. (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج، (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴،۶۷ -۹۱.

– صفوی، حنانه سادات و مینایی، ماه‌گل. (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل) ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

– طاهری بنچناری، رؤیا؛ آقاجانی مرساء، حسین و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۶). واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۳۹.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

- کردزنگنه، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر ازدواج زودرس در ایران، توسعه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۱: ۱۵۷-۱۸۸.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نی
- جعفری، جعفر و خیرمند، الهه. (۱۳۹۴). پدرسالاری کیفری؛ مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری، حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۹). هویت خانوادگی در برابر هویت فردی، ماهنامه زنان، شماره ۵۶.
- رضوی، اقدس سادات. (۱۳۸۸). نوجوانی و هویت‌یابی، مشاور، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۱، پاییز ۱۳۸۸.
- مقدادی، محمدمهدی و جوادپور، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. فصلنامه حقوق پزشکی, ۱۱(۴۰):۳۱-۶۰.

- Chowdhury, F. D. (2004). The socio-cultural context of child marriage in a Bangladeshi village. *International Journal of Social Welfare*, *13*(3): 244-253.

- Wibowo, H. R., Ratnaningsih, M., Goodwin, N. J., Ulum, D. F., & Minnick, E. (2021). One household, two worlds: Differences of perception towards child marriage among adolescent children and adults in Indonesia. *The Lancet Regional Health- Western Pacific*, *8*: 100-103.

- Islam, M. M., Khan, M. N., & Rahman, M. M. (2021). Factors affecting child marriage and contraceptive use among Rohingya girls in refugee camps. *The Lancet Regional Health- Western Pacific*, *12*: 100-175.

- Batyra, E., & Pesando, L. M. (2021). Trends in child marriage and new evidence on the selective impact of changes in age-at-marriage laws on early marriage. *SSM-Population Health*, *14*: 100-118.

- Efevbera, Y., Bhabha, J., Farmer, P. E., & Fink, G. (2017). Girl child marriage as a risk factor for early childhood development and stunting. *Social Science & Medicine,*185, 91-101: https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2017: 5-27

- Gage, A. J. (2013). Child marriage prevention in Amhara region, Ethiopia: association of communication exposure and social influence with parents/guardians' knowledge and attitudes. *Social Science & Medicine*, *97*: 124-133.

- Kasinamunda, S. G. (2017). Religion and child marriages in the Johane Marange Apostolic Sect: the case study of Chihota communal areas: 1917-2015.

- Kagitcibasi, C. (1996). *Family and human development across cultures*: *A view from the other side*. Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers, 10 Industrial Avenue, Mahwah, NJ 07430-2262.

- Kayser, K. (1993). *When love dies*: *The process of marital disaffection*. Guilford Press.

- Kohno, A., Techasrivichien, T., Suguimoto, S. P., Dahlui, M., Nik Farid, N. D., & Nakayama, T. (2020). Investigation of the key factors that influence the girls to enter into child marriage: A meta-synthesis of qualitative evidence. *PloS one*, *15*(7): e0235959.

- Rahiem, M. D. (2021). COVID-19 and the surge of child marriages: A phenomenon in

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]

Nusa Tenggara Barat, Indonesia. *Child Abuse & Neglect*: 105-168.

- Malhotra, Anju (2010). "The Causes, Consequences and Solutions to Causes, Consequences and Solutions to Forced Child Marriage in the Developing World". *International Center for Research on Women Washington, D.C.* July 15, 2010.

- Marcia, J. E. (2002). Identity and psychosocial development in adulthood. Identity: *An international Journal of theory and research*. 2(1): 7-28

- Mourtada, R., Schlecht, J., & DeJong, J. (2017). A qualitative study exploring child marriage practices among Syrian conflict-affected populations in Lebanon. *Conflict and health*, *11*(1): 53-65.

- Raj, A., Saggurti, N., Balaiah, D., & Silverman, J. G. (2009). Prevalence of child marriage and its effect on fertility and fertility-control outcomes of young women in I*ndia*: *a cross-sectional, observational study*. *The lancet, 373* (*9678*): *1883-1889*: *https://doi.org/10.1016/S0140-6736(09)60246-4*

- *Stark, L., Seff, I., & Reis, C.* (*2021*). *Gender-based violence against adolescent girls in humanitarian settings*: *a review of the evidence*. *The Lancet Child & Adolescent Health, 5*(*3*): *210-222*.

- *Tenkorang, E. Y.* (*2019*). *Explaining the links between child marriage and intimate partner violence*: *Evidence from Ghana*. *Child abuse & neglect, 89, 48-57*: *https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.01.004*

- Tremayne, Soraya (2006). "Modernity and Early Marriage in Iran: A View from Within", *Journal of Middle East Woman's Studies*, 2(1): 65-94.

- Unicef. (2014). *Ending child marriage*: *Progress and prospects*.

- Unicef. (2012). Progress for children: A report card on adolescents. *New York*: *UNICEF*, (10).

- World Health Organization (WHO). (2006). United Nations Population Fund.

- World Health Organization. (2006). Married adolescents: no place of safety.

- Zabel, J. (2016). Untying the Knot: Child Marriage in Situations of Armed Conflict. Political Science Honors Projects

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-30]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1401.13.1.4.7]